



سال ۱۳۷۸ بود. تازه همکاری‌ام را به عنوان نویسنده با پخش رادیو قرآن شروع کرده بودم که یک شب برنامه‌ای به نام «تمنای بهشت» را از رادیو قرآن شنیدم. این برنامه در لحظات سحرگاهی پخش می‌شد و اذان صبح را دربر می‌گرفت. هدف از تولید این برنامه ایجاد فضایی معنوی در لحظات سحرگاهی بود. با شنیدن چند برنامه احساس کردم می‌توانم متن‌های درخوری برای این برنامه بنویسم. با پرس‌وجو دریافتم از برنامه‌های گروه تلاوت رادیو قرآن به سردبیری مرحوم آقای میری است. آن زمان مدیر گروه تلاوت رادیو قرآن، استاد حسین علی شریف بود. روزی خدمت آقای ایشان رسیدم و پیشنهادم برای عهده‌دار شدن نویسندگی برنامه تمنای بهشت را مطرح کردم که با استقبال ایشان روبرو شد. کار نویسندگی برای این برنامه را شروع کردم و از آنجایی که اذان صبح در دل این برنامه پخش می‌شد، یک صفحه نیایش برای خواندن بعد از اذان صبح در نظر گرفتم. برنامه تمنای بهشت هر سحرگاه پخش می‌شد که از هفت روز هفته، نویسندگی پنج روز آن به عهده من بود لذا باید هر هفته پنج صفحه نیایش می‌نوشتم. در نوشتن نیایش‌ها بر آن بودم که نیایش‌ها در فضایی ادبی و متفاوت با دیگر نیایش‌های رادیویی و از دریچه‌ای نو باشد. در روزهای نخست، نوشتن نیایش‌ها سخت نبود اما وقتی همه دیدگاه‌های نیایشی‌ام را خرج کردم، دیگر مفهوم تازه‌ای برای نوشتن نداشتم و به قول معروف «کف‌گیرم به ته دیگ خورده بود». آن زمان بود که به یاد دعای جوشن کبیر و هزار و یک نام پروردگار افتادم که همیشه از خواندن آن حالتی از بهت و شیدایی به من دست می‌داد پس تصمیم گرفتم بر اساس هر نام، نیایشی بنویسم تا علاوه بر تشریح و توضیح معنای هر نام، نیایش‌های خود را در قالب آن نام بیان کنم.

در ابتدای این راه طولانی، نوشتن هزار و یک صفحه نیایش کار سختی به نظر می‌آمد اما برنامه «تمنای بهشت» نیایش می‌خواست و «اجبار» با تمام سختی‌هایش دریچه‌هایی نو بر روی انسان می‌گشاید، بنابراین با توکل به صاحب نام‌های مقدس پروردگار کار نوشتن را از روز ۲۴ بهمن ۱۳۷۸ آغاز کردم. به طوری که هفته‌ای پنج نام را به نیایش در می‌آوردیم و هر نام فضای تازه‌ای پیش رویم می‌گشود و مسیر نگارش خود را نشانم می‌داد اما با این همه، کار دشواری بود. نگارش تمام نام‌ها نزدیک به سه سال طول کشید.

اکنون این نیایش‌نامه را -که بزرگترین نیایش‌نامه فارسی و شاید بزرگترین نیایش‌نامه‌ای است که تاکنون در زبان‌ها و ادیان مختلف نوشته شده است- در قالب کتاب «پله‌های آسمان» به اهالی رسانه و مخاطبانی که دوستدار راهی برای نیایش با خداوند است، تقدیم می‌کنم و آرزو مند نیایش‌های این کتاب بتواند به عنوان منبعی نیایشی برای استفاده در هنگامه‌های اذان در برنامه‌های اذان‌گاهی شبکه‌های صدا و سیما استفاده؛ یا در مساجد کشور بعد از نمازهای روزانه خوانده؛ یا در خانه‌ها و بعد از نمازهای روزانه بر زبان نمازگزاران جاری شود.

در پایان این کتاب را پیشکش می‌کنم به صاحب هزار و یک نام آسمانی که بلندای وصفش در نام نمی‌گنجد. او که هزار و یک نام بلندش را به نیایش نوشتم تا بدانم باید به نام بی‌نام صدایش کنم. او که وصفش در زبان نمی‌گنجد و در قلم نمی‌آید. همچنین این کتاب را به تمام فارسی‌زبانان جهان - به خصوص مردم بزرگوار ایران - تقدیم می‌کنم و امیدوارم هنگام خواندن این کتاب، سهمی از لحظه‌های آسمانی‌شان را برای این کمترین کنار بگذارند و بالاخره پله‌های آسمان را به همسر مهربانم - سرکارخانم فاطمه مرادی - تقدیم می‌کنم و سهم معنوی نگارش این کتاب را با ایشان سهیم می‌شود. او که در تمام سال‌های نگارش و بازنویسی و تولید کتاب گویای پله‌های آسمان، شاهد و مشوق من در این کار بود.